

کتابخانه تصنیف سرکار عالی حیر آباد و مکن

نمبر دست

۲۶۰۹

تاریخ دست

آخر آبان ۱۳۲۱

نام کتاب

حقیقه الاسلام

فصل کتاب

مواظف

نمبر کتاب در فن مذکور

۳۰۸

وَمَنْ يَتُوكِمْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ نَسِيرٌ

حسبنا الحكمه من ذيل مطبوعه



كثيرا انما في اسرى بساطه

مصطفى الطبع
محمد خان ابي انور

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

الحمد لله رب العالمين الرحمن الرحيم مالك يوم الدين والصلاة والسلام على سيدنا
الموسى وامام المتقين خذ خلق الله اجمعين وعلى آله واصحابه اجمعين
ويعجزوا الطريق المستقيمة ان اسعد الله تعالى في الدارين كل من اسلمه
از آنکه تسکون کل ذی حق حقه معنی آنکه حق بر صاحب حق سالم و کامل ادا کنی بی قصور بی فتنه
اول از حقوق حق است اول حق الله تعالی ادا کنی که وجود و توابع وجود هر چه است عطای
اوست لا شریک له هر نفسی که فرد میرود و محتاجات است و چون برمی آید تصریح ذات پس بر نفسی او
موجود است و بر نفس شکر و واجب است از دست و زبان که بر آید بخز عهده شکرش بر آید
پس اگر توفیق شکر نفسی از آنها دریابی خواه زبان یا بجزیح یا دل از عواطف اوست بگشاید
شکر هم از عواطف او پس در بر شکرندین شکر واجب میشود پس خروج از عهده شکر او تعالی محال است
و مستند تسلسل قال الله تعالی وان قلنا رافعه الله لا یستسئد ان الله لفتق تجلیه
یعنی اگر بشکر بگفتی خدا را تو نمیدی خاطر را بر شکر حق تعالی بخشنده هر این است در کلمه غفور رحیم
نمارت بداند حق تعالی انبصل جنت خود تکلیف ما را بطریق نداده و او ای حق شکر بخشنده
ما را فرموده و بقدر وسیع شکر واجب یافت هر کسی که بقدر قوت انسانی ادا کند شکر او گوشید بفضل
و جنت خود در شکر برینویسند خوانند چنانچه حق فرموده ان کان عبدا

که در هر جا که باشد
که بگوید که علی بن
روز قیامت فرود
سلام بر او در روز
و پیشوای نبی که در
و پیش از توفیق شکر
و بر او داد و صحابه
که بر عبادی است و
شماره ای از شکر
که
شکر صفتین
چون بگردد
بسته بر آن

شکلی آینی بود نوح علیه السلام بنده بسیار شکر کنند و هر که در مقدم و نحو و از شکر او تفسیری در زبخت
ظالم و نهایت کافر نیست باشد که در شکر نعمتهای غیر تنهایی چنین منعم از ادنی شکر یعنی از مقدم و تفسیر کرده

قال سبحانك يا ذا الجلال والإكرام لا تحصى نعمها إن أول نسيان كقولك يعني اگر

بشکر نعمتهای خدا را نتوانید احاطه کردید بر تنبیه انسان یعنی اکثرشان بر آینه سخت ظالم و بسیار کافرند
نعمتهای او را پس قدری از شکر که از بندگان مطلوبست نیست که او سبحانه را بصفت کمال او مطابقت

نقص الامر بقدر طاق بشکر بشناسند و از اعتقادات و اخلاق و اعمال اینچه مرضیات او است بوجه

لستة آنچه که بر ذرات عباد ازان واجب ساخته است آنرا بصفت کمال ادا سازند و از مکروبات و

مضیبات جنایات او برهنه کنند و رضای او تعالی بر رضامندی نفس خود و رضای هر مخلوق مقدم دارند
عبر در عین نفس ماکذمت و آخرت شرمساز گردند یعنی نفس هر کس در روز قیامت خواهد دانست

که چه چیز را مقدم داشته و چه چیز را ترک کرده رضای نفس بر رضای خدا بر رضای نفس قال سبحانك

قل إن كان آباءكم و أبناءكم و إخوانكم و أزواجكم و عشیرتكم و أموالكم

أثرة فیها و تجارتها فحسبنا كسادهها و مساکین ترضونها أحب إِلَیْكُمْ مِنَ اللَّهِ

و رسوله و جهاد فی سبيله فلو نضوا حتی یأتی الله بامرهم یعنی کجای محمد اکرم

پدران شما و پسران شما و برادران شما و زنان شما و قبائل شما و مالهای شما که کسب کرده اید و سواد اگر می

میترسید از فوت شدن منفعت آن و غائبانی که پسند شماست دوست ترند شما از خدا و رسول او و جهاد

کردن و کوشش نمودن در رضیات او پس منتظر باشید وقت آمدن امر و قضای او بعباد و در دنیا یا

در آخرت مسلمان را باید که هرگز او دوست دارد بر او خدا و دوست دارد و هرگز او دشمن دارد و برای خدا دشمن

دارد و هر که چیزی بدید بر او انداید و هرگز اندید برای خدا ندهد و نهد اگر در دهن خود یا در دهن برین

یا فرزند خود نهد یا بنیت نهد که حق تعالی برین واجب کرده است رسول فرمود صلی الله علیه و سلم

أحب لله و أبعض لله و أعطى الله و منعه لله و غدا أنت كحل الأیمان ابود و داری بی

آمده و ترندی از معاذ این حدیث روایت کردند یعنی هر که دوست دارد بری خدا و دشمن دارد

رای خدا و برید بر خدا و نهد بر ای خدا منجسینیکه ایمان نبیا کار کرد رسول فرمود علیه السلام

اِذَا اتَّقَى الْمَسْلِمُ تَقَاتُ عَلَى اَهْلِهِ وَهُوَ يَحْتَسِبُهَا كَانَتْ لَهُ صِدْقَةٌ مَشْفِقَةً عَلَيْهِ مِنْ ابْنِ مَسْعُودٍ
 یعنی اگر خزن کرد مسلم بر اینها شود و بنیت عبادت باشد و در صدقه **مفصل** چون شناختن ذات و

صفات و در نیات و مکروهات حق سبحانه تعالی بی توسط پیغمبر ^ص صورت نه بندد و عقل در آن کافی
 نیست ازین جهت ایمان بکتب آبی در سل و بیجا را به الرسل داخل ایمان بحق شده رسول مقوم
 صلعم فرستادگان بنهید عبد القیس ^ص انْتَدَرُونَ مَا لَا يَتَحَاكَنُ بِاللَّهِ وَحَدَاةُ یعنی میدانید که

ایمان بخدا چیست آنها گفتند خدا و رسول او و انا ترجمه فرمود و تتعبدوا لآله الله

وَأَنْ فَحْمًا كَرَّمُوا اللَّهُ یعنی گواهی دادند بوحید و رسالت محمد رسا ابراهیم صلی الله علیه و آله وسلم
 متفق علیه عن ابن عباس اطاعت رسول الله اطاعت خدا گفته قال الله تعالی مَنِ اطَاعَ الرَّسُولَ

فَقَدَّ اطَاعَ اللَّهَ یعنی هر که فرمان برداری کند رسول را او فرمان برداری خدا کرد و سبب **مفصل**

اسلام در رنگ محبت خدا بلکه عین محبت او تعالی شده رسول فرموده صلعم لا یُطَاعُ مَنْ أَحَدٌ كَرَّمُوا

اَلْكَوْنُ أَحَبُّ إِلَيْهِ مِنَ ذَالِدِهِ وَوَلَدِهِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ متفق علیه عن انس یعنی ایمان
 یکی از نماصیح باشد یادوست تر باشم نزد او از والد و فرزند او و از تمام آدمیان پس او ای حق رسول

اسلام هم از حقوق بشر خارج است اما مطلوب بقدر رفاقت است و آن امتثال او امر و لواهی اوست و کثرت
 صلوة و سلام بر او و محبت بر او و اصحاب او **مفصل** پس هر که چون شناختن ذات و صفات و در نیات

و مکروهات بنحو مسلم رسول رسیده خصوصاً بعضی خلفای راشدین دین قربت و رونق گرفته و اول
 واقفال و علیه السلام که بعد از صحابه معلوم بود و اکثر پیام معلوم نبود از سعی آنها شهرت گرفته مسائل مختلفه

جمع گردیده که در هر سند صحابه با جمیع کرده تحقیق کرده ترویج میگردند پس امدای حق صحابه و اولادیت عیان
 حق رسولست و نبوت و امامت و نشان شل محبت با ما است سوا صلعم گفته فرمود رسول صلعم مَنْ أَحَبَّنَا

فَقَدْ أَحَبَّنَا وَمَنْ كَرِهَنَا فَبُغِبْنَا بِبَيْنَتِهِمْ وَهُوَ مِنْ أَذْوَانِ فَقَالَ إِذَا بِي وَمَنْ
 إِذَا بِي فَقَدْ أَذَى اللَّهُ وَاه لتمدی عمر سلامدیرتانه و قوله اذین و یا کذبت من

بعدهای آبی بگو در صحابه با جمیع کرده تحقیق کرده ترویج میگردند پس امدای حق صحابه و اولادیت عیان
 حق رسولست و نبوت و امامت و نشان شل محبت با ما است سوا صلعم گفته فرمود رسول صلعم مَنْ أَحَبَّنَا

فَقَدْ أَحَبَّنَا وَمَنْ كَرِهَنَا فَبُغِبْنَا بِبَيْنَتِهِمْ وَهُوَ مِنْ أَذْوَانِ فَقَالَ إِذَا بِي وَمَنْ
 إِذَا بِي فَقَدْ أَذَى اللَّهُ وَاه لتمدی عمر سلامدیرتانه و قوله اذین و یا کذبت من

بعدهای آبی بگو در صحابه با جمیع کرده تحقیق کرده ترویج میگردند پس امدای حق صحابه و اولادیت عیان
 حق رسولست و نبوت و امامت و نشان شل محبت با ما است سوا صلعم گفته فرمود رسول صلعم مَنْ أَحَبَّنَا

فَقَدْ أَحَبَّنَا وَمَنْ كَرِهَنَا فَبُغِبْنَا بِبَيْنَتِهِمْ وَهُوَ مِنْ أَذْوَانِ فَقَالَ إِذَا بِي وَمَنْ
 إِذَا بِي فَقَدْ أَذَى اللَّهُ وَاه لتمدی عمر سلامدیرتانه و قوله اذین و یا کذبت من

بعدهای آبی بگو در صحابه با جمیع کرده تحقیق کرده ترویج میگردند پس امدای حق صحابه و اولادیت عیان
 حق رسولست و نبوت و امامت و نشان شل محبت با ما است سوا صلعم گفته فرمود رسول صلعم مَنْ أَحَبَّنَا

اینجا از صحیح بخاری
 و مسلم بر او در حدیث
 کرده شده است
 از ابن مسعود و
 ابن عباس
 اینها در حدیث صحیح
 بخاری و مسلم آمده است
 و در حدیث صحیح بخاری
 و مسلم آمده است
 و در حدیث صحیح بخاری
 و مسلم آمده است
 و در حدیث صحیح بخاری
 و مسلم آمده است

آنهارا ایز کرده پس بد رستی مرا ایز کرده و هر که مرا ایز کرده پس بد رستیکه خدا را ایز کرده و فرمود
 پیروی کنید هر دو وظیفه که بعد من باشند ابو بکر و عمر و فرموده **عَلَيْكُمْ تَسْبِيتُهُ** و **سُنَّةُ الْخُلَفَاءِ**
 الراشدین **بِئْسَ مَا يَفْعَلُ** یعنی لازم گیر بدست من سنت خلفا را راشدین بلکه بعد من باشند
 فرموده **أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَخَلْفِي بَابُهَا** رواه الطبرانی و الحاکم عن ابن عباس من شهر علم
 در واره آمنت فرموده **إِنِّي تَارِكٌ فَيْكُمْ أَثْقَلَيْنِ كِتَابِ اللَّهِ وَعِزَّتِي** رواه احمد
 الطبرانی عن یزید بن ثابت یعنی من میگذارم بعد خود ترو شما دو وسیله حکم کنی قرآن دوم عترت خود
 فرمود صلی الله علیه وسلم **خُتِبَ عَلَيَّ مِنْ هَذِهِ الْحَمَائِرِ كَمَا كُنْتُ أَعْلَمُ بِهَا مِنْكُمْ** یعنی

عایشه رضی الله عنها **بِئْسَ مَا يَفْعَلُ** صلی الله علیه وسلم **أَخْبَرَنِي كَمَا لَجُومٌ بِأَيْتِهِ إِذْ تَكَلَّمَ**
أَهْتَدَى بِمَنْ رواه زرین عن عمر رضی الله عنه یعنی راه باب من نماند ستا بگفتند هر که اینها
 پیروی کنید بهر آن رسید پنجین احادیث بسیارند **فصل** همچنین او ای حق علمای محمد
 و صحبای مجتهدین و مصنفان کتب دین و سلسله سلسله علوم ظاهر پیران اساتذہ علوم مطمن
 درنگ حق صواب و امانت و انحال او ای حق خدا در سوان بی الله علیه و سلم است که این او از

پیغمبر و صحابان دین اند قال رسول الله صلی الله علیه وسلم **رَأَيْتُ الْعُلَمَاءَ** **يَتَّبِعُونَ سَبِيلَ**
الْحَقِّ **كَمَا يَتَّبِعُونَ سَبِيلَ اللَّهِ** **وَأَمَّا أُولَئِكَ فَهِيَ أُمَّةٌ مَقْتُولَةٌ** رواه صحابه
 بشرین قیس یعنی بد رستیکه علماء دنیا با بنانند و بسبب انبیا میراث گذارند بیاره در در
 جزین نیست که میراث گذارند شما عالم اوقال **بِسَلَامٍ فَضَّلَ أَنْفَكَ** **عَنِ الْعَرَبِ لِكَيْ تَكُونَ**

شَرًّا تَلَا أَمَّا يَشْتَكِي اللَّهُ مِنْ عِبَادِهِ **تَعَارَفُوا** **أَسَدٌ** **مِنْ أُمَّةٍ** **الْمَدِينَةِ**
 کحل و الحسب بر سادات و مو **تَخَفَتِ** **عَمَلِيَّتِ** **عَالِمٍ** **بِعَادِيَّتِهِ** **فَضِيلَتِ** **مِنْ** **رَدْفِي** **سَمَاءٍ**
 بسته خوانند یعنی نرسند از رجه نندگان او مگر عالمان و فرموده رسول صلی الله علیه وسلم
إِنَّمَا بَعِثْتُ مَعْلَمًا **يَعْنِي** **حَقَّ** **تَعَالَى** **مَنْ** **نَفَرَ** **تَادِبًا** **مَكْرًا** **بِرَّابِي** **تَعْلِيمِ** **كُرْدَانِ** **وَرَسُولٍ** **فَرَمُوهُ** **صَلَّى** **اللَّهُ**

عَلَيْهِ **وَسَلَّمَ** **اللَّهُ** **أَجْوَدُ** **جَوَادٍ** **وَرَنَا** **أَجْوَدُ** **بِي** **أَدَمَ** **وَأَجْوَدُ** **هُمْ** **لِعَادِيَّتِي** **رَجَدُ** **عِلْمِ**
عِلْمًا **فَنَشَرُهُ** **يَأْتِي** **يَوْمَ** **الْقِيَامَةِ** **أُمَّةٌ** **وَاحِدَةٌ** **رَوَاهُ** **الْبَيْهَقِيُّ** **عَنِ** **ابْنِ** **عَلِيٍّ** **صَلَّى** **اللَّهُ** **عَلَيْهِ** **وَسَلَّمَ**

ظلم کنند فرمود **وَإِنْ ظَلَمُوا وَإِنْ ظَلَمُوا وَإِنْ ظَلَمُوا** یعنی سه بار گفت اگر بر روی ظلم کنند و فرمود علی علیه و سلم **مَا مِنْ وَلَدٍ بَارٍ يُنْظَرُ إِلَيْهِ وَالِدَيْهِ نَظْرَةً رَحْمَةً إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ كِرَامًا نَظْرَةً وَرَحْمَةً** میزد و سرگشته یعنی نیست هیچ پسر نیک که نظر کند بسوی والدین بهر مگر آنکه نبویسد حق تعالی بر او عوض هر نظر تو را. یک حج بکیزد از گناه مردم گفتند یا رسول الله اگر چه بیند هر روز صد بار فرمود **لَعَنَ اللَّهُ الْكَاذِبَ وَالْأَكْبَرُ وَأَطِيبُ** یعنی حق تعالی بزرگترست و خوشتر روایت کرده بود و حدیث را بهیچ از ابن عباس شخصی گفت یا رسول الله مرا اراده جهاد دارم فرمود که ترا ما در هست گفت هست فرمود که در خدمت او باش هست تو در قدم است **حَدِيثُ أَنَّ الْبَيْتَةَ تَحْتَ أَقْدَامِ أَشْوَكَتَكَ** روایت کرد این را بهیچ از معاذ بن جابر این عمر

گفت یا رسول الله از زنی است که من او را دوست میدارم و او را مکرر ^{ای مادر من} ~~ببیند~~ فرمود که ای ایها و ترمذی و ابو داؤد این را از ابن عمر آورده مردی از رسول مسلم پرسید که حق ما در و پدر چیست فرمود که آنها بهشت و دوزخ تواند این ماجرا این را از ابی نامرود روایت کرده مرد پیش رسول مسلم آمد و گفت که پدر من حج

است بسو مال من یعنی میخواهد که مال من بگیرد فرمود **أَنْتَ وَمَالُكَ لَا يَمْلِكُ أَنْ أَوْلَاكَ** **مِنْ أَطِيبٍ كَسْبِكَ كَأَنَّكَ مِنْ كَسْبِ أَوْلَادِكَ** رواه ابو داؤد و ابن ماجه عن عمر بن شعیب عن ابی بن جده یعنی تو برای پدرت بذرتی که اولاد شما از پاکیزه ترین کسب شماست بخورید شما از کسب اولاد خود پس نفقه مادر و پدر و اجار و جهات که مفسد باشند گو قدرش بر کسب داشته باشند بر فرزند حلالی که قدرت بر کسب داشته باشد و حجت اگر چه کافر باشند از اهل ذمه و صحیحین ابو اسامه بنت ابی بکر روایت کرده که از رسول کریم پرسید که ما در من آمده است و کافره هست صلوات الله علیه با و گفتم فرمود آری بکن و امثال امر و رضای آنها و حجت مکرر صحبت و ترک قرآن ترمذی از عیاض بن عمرو روایت کرده که فرمود رسول مسلم رضاشندی خدار رضاشندی پرست و ناخوشی غم بود ناخوشی پرست حق تعالی فرمود

وَإِنْ جَاهَدْنَا عَلَىٰ أَنْ نُكْفِرَ بِبَنِي مَالِكٍ بِعِلْمٍ فَلَا نَطْعُهُمْ مَا وَصَّاجُهُمْ مَا فِي **اللَّهِ تَعَالَىٰ مَعْرُوفًا** یعنی اگر نیک کنند پر و مادر تو بر نیک شریک گوئی با من خبری را که تو علم نداری بان یعنی علم تجوید داری پس درین امر فرمان بردار آنها مکن و در دنیا صحبت بخوبی با آنها کن رسول مسلم فرمود **وَأَكْبَرُ وَأَطِيبُ** **فِي مَعْصِيَةِ الْخَالِقِ** رواه احمد و الحاکم عن عمران و حکیم عن عمر و النفا

وَفِي صَحِيحِي كِلَا مَعْنَى فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ إِتِمَامُ الطَّاعَةِ فِي الْمَعْرُوفِ بِعِنِّي جَاءَتْ نِسْبَةُ فَرَانِ
 بِرَدَّ أَرِي بِجُكْسِ أَنْ مَعْلُوقَاتٍ دَرْنَا فَرَانِي خُدَا طَاعَتِ جَانُو نِسْبَتِ مَكْرَانِ بِدَرِ شَرَحِ جَانُو نِسْبَتِ **فصل** از جمله
 حقوق پدر و ستی کردنست یاد و ستان پدر و نکونی کردن با دوستان پدر رسول فرمود صلی الله علیه
 و سلم إِنَّ مِنْ أَبْوَالِدٍ صِلَةَ الرَّجُلِ أَهْلَ وَوَالِدِيهِ بَعْدَ أَنْ يُبَيِّنَ لِي أَرَوَاهُ مُسْلِمٌ عَنْ أَبِي عَمْرِو بْنِ
 كَهَانَ كُنُوفِي أَنْتَ كَمَا صَدَّكَ بَادُ وَوَسْتَانِ بِدَرِ نِسْبَتِ أَوْ وَوَسْتَانِ بَارْتِ از آنچه موجب وصلت و
 اخلاص باشد در رعایت مالی و خدمت بدنی و حسن اخلاق **فصل** در حق اقربا و از جمله حقوق پدر
 و مادر است صلوة و نکونی با اولاد آنها یعنی با برادران و خواهران و خالات پدر و مادر و اولاد ایشان
 و چنین **الأخوة** فلا قرب **ببینی** بر قدر که در سبب قریب تر باشد حق او زیاد تر باشد حق تعالی فرمود در حدیث
وَأَبُو نَسَبٍ لِي حَقُّهُ یعنی برده صاحب قرابت حق او و کهنه اگر کسی را که غمی باشد واجبست بر وی نفقه
 ذی رحم محرم که فقیر باشد و بر کسب قدرت نباشد باشد اگر مسلم باشد قال الله تعالی وَعَلَى الْوَالِدِ وَالْأُولَادِ
 خِلَافٌ كَيْفَ بَرَدَارِ نَفَقَةٍ وَجِبَتْ مَشْرِفُ نَفَقَةِ الْوَالِدِ وَكَسْرُ كَذِي رَحْمٍ مَحْرَمٍ خُورًا مَالِكٌ شُودِ مَجْدُ مَالِكِ
 شدن از او گردد اگر چه کافر باشد قال علیه اسلام مَنْ مَلَكَ ذَا رَحِمٍ فَحَرِّمْ مِمَّنْهُ حَقِيقٌ عَلَيْكَ
 رَوَاهُ أَحْمَدُ أَبُو دَاوُدَ وَالْحَاكِمُ عَنْ سَمُرَةَ تَعْنِي بَرَكَةَ مَالِكٌ شُودِ ذِي رَحْمٍ مَحْرَمٍ خُورًا مَالِكٌ شُودِ مَجْدُ مَالِكِ
 کردن و ذری ذی رحم محرم حرامست که موجب قطع رحم میشود و از اقربا هر کس که محرمست گویند نفقه او واجب
 نیست لیکن جدا و واجبست قطع رحم حرامست و ما موافقت آنها جاتر نیست عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ
 قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خَلَقَ اللَّهُ الْخَلْقَ فَلَمَّا فَرَّغَ مِنْهُ قَامَتِ الرَّحِمُ
 فَأَخَذَتِ الرَّحِمُ بِحَقْوِلِ الرَّحْمَنِ فَقَالَتْ مَا هَذَا مَقَامَ الْعَائِدِيَّاتِ مِنَ الْقَطِيعَةِ قَالَ أَلَا
 تَوَضَّيْنَ أَنْ أَصِلَ مِنْ وَصْلِكَ وَأَنْتَ مَن تَطْعَمُ مَنْ تَطْعَمُ كَأَنَّ بَلِي يَأْتِي قَالَ فَذَلِكَ الصَّفَقُ عَلَيْكَ
 یعنی خدای تعالی پیدا کرد خلق را و هر گاه که حق تعالی از پیرا کردن خلق فارغ شد رحم بر خاست و حق رحمان
 گرفت حقویر از ازارا گویند و این مجازست و مراد است که از جناب ایزد پناه حسب عیب میگوید عذبت بحق
 فلان یعنی پناه جستم بسوی فلان حق تعالی رحم را فرمود که چه میخواهی گفت که استاده ام پناه جوینده از قطع
 فرمود که آباراضی نمیشود با آنکه من وصلت کنم با آنکه وصل کند ترا و قطع کنم از بر که قطع کند ترا گفت که راضی شدم

دوستی کردن با دوستان پدر حقوق اقربا

ای رب فرجین کم در حدیث تدری آمده **أَنَا اللَّهُ وَأَنَا الرَّحْمَنُ فَخَلَقْتُ الرَّحْمَ وَشَقَقْتُ لَهُ مَعِين**
اسْمِي فَمَنْ وَصَلَهَا وَصَلْتَهُ وَمَنْ قَطَعَهَا بَتَّتَهُ رواه ابوداؤد والترذی واحمد والحاکم
 عن عبد الرحمن بن عوف والحاکم عن ابی یزید یعنی من اندام من من رحم ام رحم را پیدا کردم و از نام خود نام
 بر آوردم پس هر که او را وصل کند من با وی وصل کنم و هر که او را قطع کند من از او قطع کنم و بخاری از
 ابی یزید از رسول مسلم روایت کرده که فرمود **الرَّحْمُ شِخْنَةُ الرَّحْمَنِ فَقَالَ اللَّهُ مَنْ وَصَلَكَ**
وَصَلْتَهُ وَمَنْ قَطَعَكَ قَطَعْتَهُ یعنی رحم الصالی دارد بی کیفیت با خدای تعالی فرمود یعنی هر که
 ترا وصل کند من با وی وصل کنم و هر که ترا قطع کند من از وی قطع کنم و از عایشه رضی الله عنها صحیحین نقل
 است **در صحیحین از جبرین تنظیم مرویست** که فرمود رسول مسلم قاطع رحم و اصل است زشتی و بیستی از
 عبدالمعین اونی روایت کرده که آنحضرت فرمود مسلم که حجت نازل میشود که در آنها یک کلمه است مسلم
 میشود در وجوب صدر رحم و حرمت قطع احادیث بسیار وارد شده لهذا بر کس لازم که بر نسبت خود
 خردار باشد تا صد رحم کند و قطع از وی بظهور نیاید **فائدة** رسول فرمود مسلم حق برادر بزرگ و برادر
 خرد مثل حق برستد بر پس این حدیث در بیعتی از سعید بن عیان روایت کرده حق سبحانه و تعالی که
 در زمین بر قاطع رحم لعنت کرده و گفته **فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتَقَطَعُوا**
أَرْحَامَكُمْ أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعَمَّى أَبْصَارَهُمْ یعنی قریب است که اگر
 در گردانی کنید از حکم خدا انکه فساد کنید در زمین قطع کنید ارحام خود را آنها هستند که لعنت کرده بر آنها حق تعالی پس
 کردند آنها را که حق نمی شنوند و کور کرده چشمهای آنها را که حق را نمی بینند تا نامی جنین رحمة الله علیه لعنت نبرد
 جایز گفته و با وجود قبیح می شمارد زید بنا بر قطع رحم با بن آیه بر جواز لعنت او استدلال کرده **سؤال** زود و قریب
 اگر یکی را دوم بر سلوگی کند و قطع رحم نماید و دوم را از وی قطع جائز باشد یا نه **جواب** دوم را لازم
 که صد کند و قطع کند و وبال قطع رحم برقی طع رحم خواهد شد و برکات صدر بر او صل رسول فرمود **صَلِّ عَلَى**
الْوَاصِلِ بِالْمَكَافِي وَلَٰكِنِ الْوَاصِلُ الَّذِي إِذَا قُطِعَتْ رَحْمَتُهُ وَصَلَّاهُ رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ
 عن ابن عمر یعنی واصل آن نیست که در مقابل تو نکوئی کنی و اصل آنست که اگر قطع کرده
 رحم از او وصل کنی عوض بی نیکی کند **بیت** بدی را بدی سپهن باشد جزاها اگر روی آخس را ای من

اصول
 هر که از این قطع
 کند خیارش
 است بر حق
 دارد در هر
 جزئی است
 حجت او خالی
 و شک
 است با این قاطع
 هر طاعت است
 مواجبتی خود
 سواد بود
 العالی
 همه در
 از این قطع
 کسب
 که طاعت را قطع
 و جنین را از قطع
 با روایت بخاری
 تنوی قطع رحم
 بدان تجاوز
 کون نشانی خود
 سواد بود
 العالی

تسلم از ابهر بره روایت کرده که مردی از رسول مسلم گفت که یا رسول الله مرا آفرینند من صله آنها مسلم
و آنها از من قطع میکنند و من آنها گوئی میکنم و آنها بی میکنند و من از آنها صلوات میکنم و آنها بر من صلوات میکنند

فرمود صلی الله علیه و سلم **كَلِمَاتٌ كَحَقْلِكَ فَإِنَّمَا تُكْسِفُهُمُ اللَّيْلُ وَكَأَنَّمَا يُزَالُ مِنَ اللَّهِ مَعَكَ**
ظهور علیهم صومادمت علی ذلک یعنی اگر چنین است که تو میگوئی پس گویا تو میخورانی آنها را که پتیر
گرم یعنی آتش میخورانی که هلاکت آنها است همیشه ترا از خداوند مددگاری خواهد بود بر آنها مادامیکه برین صفت باشی

فائدة صلوات رحم سوای ثواب و آخرت در دنیا فواید بسیار دارد و رسول فرمود صلوات من أحب
أن یسطر له رزقه و یسأله فی أثره فلیصل رجه متفق علیهم یعنی هر که خواهد که رزق
شود رزق او و حاجت او و مال او و اولاد او مانند آن ذکر کنندگان خیر پس باید که صلوات رحم کند و رسول

فرمود صلوات من أنسابکم ما یصلون به أرحمکم فان صلوة الرحم حبة فی الآخرة
فی المال منسأة فی الآخرة رواه الترمذی من ابهر یعنی ترا بتبای خود ادا داشته باشی تا صلوات رحم کند
صلوات رحم موجب محبت است در این موجب زیادتست در مال و بقا ذکر و قاطع رحم را سوا آنکه عذاب باشد

آخرت و بان در دنیا هم لائق شود رسول فرمود صلوات من ذنب آخری ان یجعل الله لصاحب
النعویة فی الدنیا مع ما ینکحها فی الآخرة من البغی و طبیعة الرحیم رواه الترمذی و
ابوداود و عن ابی بکر یعنی گناهی نیست لائق تر با آنکه عقربت و وبال رسد صاحب او را در دنیا با آنکه در آخرت

داشته شود عذاب برای او و آخرت از بغی بران با پادشاه عادل و قطع کردن رحم و تیز بهی از ابی بکر
روایت کرده که رسول فرمود صلوات من ذنب آخری ان یجعل الله لصاحب
النعویة فی الدنیا مع ما ینکحها فی الآخرة من البغی و طبیعة الرحیم رواه الترمذی و
ابوداود و عن ابی بکر یعنی گناهی نیست لائق تر با آنکه عقربت و وبال رسد صاحب او را در دنیا با آنکه در آخرت

داشته شود عذاب برای او و آخرت از بغی بران با پادشاه عادل و قطع کردن رحم و تیز بهی از ابی بکر
روایت کرده که رسول فرمود صلوات من ذنب آخری ان یجعل الله لصاحب
النعویة فی الدنیا مع ما ینکحها فی الآخرة من البغی و طبیعة الرحیم رواه الترمذی و
ابوداود و عن ابی بکر یعنی گناهی نیست لائق تر با آنکه عقربت و وبال رسد صاحب او را در دنیا با آنکه در آخرت

روایت کرده که رسول فرمود صلوات من ذنب آخری ان یجعل الله لصاحب
النعویة فی الدنیا مع ما ینکحها فی الآخرة من البغی و طبیعة الرحیم رواه الترمذی و
ابوداود و عن ابی بکر یعنی گناهی نیست لائق تر با آنکه عقربت و وبال رسد صاحب او را در دنیا با آنکه در آخرت

محقق پیران اساتید ان تکلم فی بابها صحیح و سادات

انكان للرحمن وكدنا انا اول العابدین یعنی بگوای محمد کسانی را که خدا را ولده ثابت میکنند تعالی است
 عرض کند اگر عرض بر اولاد میبود من اول عبادت او میکردم حق تعالی از آن منزّه است ازین آیه مستفاد میشود
 که هر که اخصی بزد و شخصی باشد باید که با اولاد او استحقاق کند **سوال** از اولاد سادات و پیرزادگان
 اگر کسی فسق یا کفر یا رافضی باشد با او چه سلوک باید کرد **جواب** اگر فسق باشد نصیحت باید کرد و اگر
 حق باین بود و اگر رافضی مانند آن باشد که بکفر رساند با او دوستی نباید نمود حق تعالی میفرماید یا ایها الناس

امنوا لا تتولوا قوما غضب الله علیهم قد یبشروا من الاخرة کما یبش الكفار
 من اصحاب القبول یعنی ای مسلمانان دوستی نکنید با قومی که خدا غضب کرده بر آنها بدو رشتیک نام امید نواز
 آخره چنانکه نام امید نواز از اصحاب قبول و حق تعالی میفرماید در حق پسر نوح علیه السلام لیس

من اهاتک الله عمل غیر صلیح و رسول فرمود صلوات ال ال ابی فلان لیسوا بی ابی
 ایخا ولی الله و صلیح المؤمنین و لیکن لهم رحم ابناهم بیلا لهما متفق علیه عن عمرو بن
 العاص یعنی آل ابی فلان برنده اولیا و دوستان و دست من خدمت و صالح مسلمانان لیکن آنها را بن
 قرابت صلوات رحم میکنم ازین حدیث مفهوم میشود که سادات و پیرزادگان و اقربا خود اگر کافر باشند یا رافضی
 یا خارجی که بکفر رساند و شی با آنها نباید کرد لیکن از صلوات احسان درینج نباید کرد و قال الله تعالی کانینکم

الله عن المؤمنین کویقائتوکم فی الدین وکم فی حیاکم من دیاکم ان تبتوهم و نفسطوا
 الیهم یعنی بر کفار بنی مرهم احسان کردن و نکوئی کردن ممنوع نیست **مفصل** و طبعی بحق والدین است
 حق رضعه که حق سبحان تعالی حرام کرده است از رضاع آنچه حرام کرده از نسب جمع بین الاختین در نواح
 حرام است رضاعا چنانچه بین الاختین نسبتا حرام است تا موجب قطع نباشد ابی داود و از ابی الطفیل روایت
 کرده که رسول صلی الله علیه و سلم بر امر رضعه خود چهار خود فروش کرد و بران نشانید **قسم ثالث** قسم
 دیگر از حقوق حق کسانی که حق تعالی آنها را منظر قهاری و مالکیت خود ساخته و آن حق سلطان مسلم و امیر
 و حق قاضی است بر رعیت و حق شوهر بر زن و حق امیر بر عیبد و حق قهرمان خانه بر تمام اهلیت که بندوست
 ملک شهر و خانه بوحدهت قهری تعلق دارد **مفصل** اطاعت سلطان و امیر شهر و امیر شهر واجب است
 بر رعیت در آنچه خلاف شرع حکم کند اگر چه خلاف طبع آنها باشد قال الله تعالی اصیعوا الله و اطیعوا الرسول

مفصل
 قسم ثالث
 حقوق سلطان و امیر

وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ سُلْطَانُ بِيْتِ الْمَدِينَةِ وَرَسُولُ فِرْمُودَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنْ أَطَاعَتِي فَقَدْ

أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ عَصَانِي فَقَدْ عَصَى اللَّهَ وَمَنْ يَطِيعُ أَمْرِي فَقَدْ أَطَاعَنِي وَمَنْ يَعْصِي

أَمْرِي فَقَدْ عَصَانِي وَإِنْ كُنْتُمْ تَحِبُّونَ الْجَنَّةَ يُقَاتِلْ مَنْ وَرَأَيْتُمْ وَرَأَيْتُمْ بِهِ فَإِنْ أَمَرَ بِتَعْلَمِ اللَّهِ وَعَدَلِ

فَاتَّكِلْهُ بِذَلِكَ أَجْرًا وَإِنْ قَالَ بِعَدْوِي فَإِنَّ مِنْهُ عَلَيْكَ ذُرًّا مَخْذُومًا مَتَّفِقٌ عَلَيْهِ عَنِ امْبِهِرَةِ

یعنی هر که فرمان بردار من کرد فرمان برداری خدا کرد و هر که نافرمانی من کرد نافرمانی خدا کرد و هر که فرمان

برداری امیر کرد فرمان برداری من کرد و هر که نافرمانی امیر کرد نافرمانی من کرد پادشاه نیست مگر سیر

مردم با کفایت بسیار میکند بوی پناه میجویند پس اگر امر بتقوی و عدل کرد پس او را ثواب باشد

اگر چیزی بگفت پس در وی شایستگی گناه و فرمود آن سرور علیه السلام اسْمَعُوا وَأَطِيعُوا وَإِنْ

اسْتَعْمَلَ عَلَيْكُمْ عَبْدٌ حَبَشِيٌّ كَأَنَّ رَأْسَهُ كَرْبِييَةٌ رواه البخاری عن انس یعنی شنوید و فرمان

برداری کنید امیر را اگر چه حاکم کرده شود بر شما غلام حبشی که سر او مثل آهن گور سیاه و خرد باشد فرمود الشَّعْبُ

وَالطَّاعَةُ عَلَى الْوَعْدِ لِلسَّلَاطَةِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ مَالِكِيٍّ مِنْ مَعْصِيَةٍ فَإِذَا أَمَرَ بِمَعْصِيَةٍ فَلَا تَسْمَعُوا وَلَا طَاعَةَ

متفق علیه عن ابن عمر عن علی نحوه یعنی حکم امیر شنیدن و طاعت کردن واجبست بر هر مرد مسلمان در آنچه خود

آید او را یا ناخوش و قتیکه امر کرده شود بمعصیت پس قتیکه امر کرده شود بگناه پس جانز نیست بر هیچ طاعت

فرمود صلی الله علیه و سلم مَنْ رَأَى مِنْ أَمِيرِهِ شَيْئًا يَكْرَهُهُ فَلْيَصْبِرْ فَإِنَّهُ لَيْسَ أَحَدٌ يَفَارِقُ

الْجَمَاعَةَ شَيْئًا فِيمَا فِي الْأَمَاتِ مِنْهُ جَاهِلِيَّةٌ متفق علیه عن ابن عباس یعنی هر که بنیاد حاکم خود

بخیری که مکروه داند آنرا پس باید که سب کند بدرستی که کسی که بعضی کند و جدا شود از جماعت مسلمانان بقدر

یک جب پس بیرون حلل مگر آنکه مرده باشد مانند مردن جاهلیت و فرمود انْكُمْ سَتَرُونَ بَعْضُكُمْ مِنْ آيَاتِهِ

وَأَمُّوْا أَسْتَبْرُوا وَنَهَآ قَالُوْا فَمَا نَأْمُرْنَا يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ قَالَ اذْهَبُوْا اِلَيْهِمْ حَتْمُهُمْ وَاسْأَلُوْا

اللّٰهَ حَقِّكُمْ متفق علیه عن ابن مسعود یعنی فرمیت که نخواهید و دراز پادشاهان بید من نفس برور و نیزه که شما

ناخوش درید باران گفتند پس چه میفرمائی ما را فرمود که حق آنها او کنید و حق خود از خدا خواهید یاران گویند

یا رسول الله اگر باشند امر که حق خود را بطلب کنند و حق ماند بندگان فرمود و اسْمَعُوا وَأَطِيعُوا فَإِنَّمَا

عَلَيْكُمْ حِمَا حَمَلُوا وَعَلَيْكُمْ مَا حَمَلْتُمْ رواه مسلم عن وائل بن حجر یعنی شنوید حکم آنها و فرمان بردار

بِهَا الْمَلِكُ لِيَأْتِيَكَ اللَّهُ بِمَنْ يَرْضَىٰ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا
ابن بربره یعنی خوشحال بنده ملک که بیرونیک کند عبادت پروردگار خود و فرمان برادر مالک خود

خوشحال و فرمود آنسر و علیه السلام اذ ابان العبد لم يقبل له صلوة وفي رواية ابانما
عبد ابان من مواليه فقد كفر حتى يرجع اليه رواه مسلم عن جرير يعني اگر غلام بگیرد نماز او

قبول نشود و در روایتی هر غلامی که بگیرد از مالکان خود تحقیق کافر شود تا وقتیکه باز نیاید نزد ایشان
یعنی کافر نیست باشد و سابق از جابر روایت کرده که رسول فرمود صلوات بر من نماز قبول نشود غلامی که بگیرد

تا که باز نزد مالک خود آید و زنی که شوهرش برود ناخوش باشد دست تا که بهوش آید و فرمود صلی الله علیه
وسلم کینس من ائمتن حیکب امرکة علی زوجه او عینک علی سیدک رواه ابو داود عن ابی هریر

یعنی هر کس که در خانه او فاسد کند زنی را بر شوهرش غلامی را بر مالک او قسم چهارم قسمی
از حقوق عبادت محبت است بر سلطان ایدر قاضی و حق زوج بر شوهر و حق بر شوهر و تربیت فرزندان

صغیر بر پدر و مادر و حق ملک بر ملک که انبیه و دایع حقد حق سبحانه تعالی بر ذات بی نیاز خود بر
ملوک و بندگان خود رحمت واجب کرده پس که را که در دنیا را می سازند و مالک گردانیده بر او هم در

ساخته قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم لا یزال راجع و کلکم مسئول عن رعیته و قال الامام
علی التائیس راجع و هو مسئول عن رعیته و الراجل علی اهل بینه و هو مسئول عن

رعیته و المرأة راجع علی بینه و زوجها و ولده و هی مسئولة عن رعیته و
عبد الرجل راجع علی مال سیدیه و هو مسئول عنه الا فکلکم راجع و کلکم

مسئول عن رعیته متفق علیه عن عبدالسدا بن عمر یعنی آگاه باشید که هر یکی از شما را می ست و
هر یکی از شما سوال کرده خواهد شد از رعیت او که مجال آنها پر داخت یا آنها را ضائع و مهوگن نهشته پادشاه بر

تمام دمیان را رعیت سوال کرده خواهد شد از رعیت او و مرد در اهل بیت خود را رعیت از آنها سوال کرده
خواهد شد و زن بر خانه شوهر و اولاد او را رعیت از آنها سوال کرده شود و غلام بر مال مولی را رعیت

از ان سوال کرده خواهد شد فصل در حق رعیت بر پادشاه و ایدر رسول فرمود صلی الله علیه و سلم ما
من وال نلی رعیته من المسلمین فیمین و هو غاشب الا حرم علیه ان یجده متفق علیه

و صل فی حق الرعیة علی السلطان

بجای کند این در بهشت باشد و دم آنکه عالم باشد و حکم کند بجز تو مگر جا بل باشد این مرد و در دوزخ باشند و
 بود او و از این هر چه روایت کرده بر کفاحی شود پس صل او بر جو غالب باشد و او را بهشت است و هر که غایب
 شود جو را و بر عدل و در دوزخ باشد **فصل** در حق زن بر شوهر حق تم میفرماید و **لَیْسَ مِثْلُ الذَّائِمِ**
عَلَيْهِمْ بِالْمَقْرُونِ یعنی زنان را بر زکر مردان نیست چنانچه مردان را بر زنان نیست و رسول کریم
 میفرماید **كَلِمَاتٌ مِنْ كَلِمَاتِ الْمُؤْمِنِينَ أَيَّمَاهَا أَحْسَنُهَا أَنْ تَخْتَلِقَ أَوْ تَطْفُرَ بِأَهْلِيهَا** رواه الترمذی عن
 عایشه و روی الترمذی عن ابی هریره **عَنْهُ** یعنی از کلمات مومنان در ایمان کسی باشد که خوبتر است از و
 خلق و مهربان ترست بر اهل خود و فرمود **خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِأَهْلِهِمْ وَأَنَا خَيْرُكُمْ لِأَهْلِي** رواه الترمذی
 عن عایشه یعنی بهترین شما کسی است که بهترین است بر اهل خود و معاویه قشیری از رسول کریم
 پرسید که حق این شوهر بر چیست فرمود که بخورانی چون خود بخوری و بپوشانی چون خود بپوشی و وزن بروی
 او بدنگواری و او را تنها گذاشته ندوی مگر در خانه باشی رواه احمد و بود او و ابن ماجه و فرمود حضرت
 روزی امشب نان بسیار بخان من آمدند و شکایت شوهران خود میکردند آن مردان خوب گسختند رواه بود
 و ابن مائه و الدارمی عن ایاس بن عبد الله **فصل** در حق شفقت بر فرزندان رسول کریم فرمود صلح من
حَالٌ جَارٍ بَيْنِي وَحَتَّى تَبْلُغَا جَاءَ بَعْضُكُمْ الْقِيَامَةَ أَنَا وَهَذَا كَذَلِكَ وَحَقُّكُمْ أَصَابِعُهُ رواه سلم عن ابن
 هرکه بر پیش کند و دختران که باغ شوند باید روز قیامت من و او بخندید و دو انگشت مبارک با هم ضم کرد
 و در حسین از عایشه روایت کردنی نزد من آمد و با او بود و دختر بودند از من سوال کردند من چیزی نیافت
 مگر یک خرابی در دم او را پس آن زن خرم را در میان برد و دختر تقیم کرده داد و خوبی بخورد و رفت پس
 نبی صلی الله علیه و سلم آمد و قصد عرض کردم فرمود **مَنْ ابْتَدَى مِنْ هَذِهِ الْبَنَاتِ لِيَسْتَحْيَ فَأَحْسَنُ الْفَتَى**
كَيْفَ كَلَّمَ بِنْتًا مِنْ الْقُرْبَى یعنی هر که ابتدا شود از دختران بجزی یعنی چند خزان داشته باشد و با آنها بی کند
 او را پرده شوند از آنش و هم در حسین از عایشه روایت کرد یک معانی نزد رسول صلح آمد و گفت که شمار
 طفلان بوسه کشیدند بوسه کشیدم آنحضرت فرمود او را **وَأَصْلُكَ لَكَ إِنَّ نَوْحَ اللَّهِ مِمَّنْ قَلْبِكَ أَخِي**
 یعنی اگر خدا نیالی ازل تو رحم و شفقت دور کرده من چه میتوانم کرد **فصل** در حق نعلبان رسول کریم فرمود
سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ مَنْ جَعَلَ اللَّهُ لَكَ سَخْتًا يَذِي بِكَ فَلْيَطْمَعْهُ **عَلَيْهَا**

بجای کند این در بهشت باشد و دم آنکه عالم باشد و حکم کند بجز تو مگر جا بل باشد این مرد و در دوزخ باشند و بود او و از این هر چه روایت کرده بر کفاحی شود پس صل او بر جو غالب باشد و او را بهشت است و هر که غایب شود جو را و بر عدل و در دوزخ باشد فصل در حق زن بر شوهر حق تم میفرماید و لیس مثل الذائم علیههم بالمقرون یعنی زنان را بر زکر مردان نیست چنانچه مردان را بر زنان نیست و رسول کریم میفرماید کلمات من کلمات المؤمنین ایماها احسنها ان تخلق او تطفر باهلیها رواه الترمذی عن عایشه و روی الترمذی عن ابی هریره عنهُ یعنی از کلمات مومنان در ایمان کسی باشد که خوبتر است از و خلق و مهربان ترست بر اهل خود و فرمود خیرکم خیرکم لاهلیهم و انا خیرکم لاهلی رواه الترمذی عن عایشه یعنی بهترین شما کسی است که بهترین است بر اهل خود و معاویه قشیری از رسول کریم پرسید که حق این شوهر بر چیست فرمود که بخورانی چون خود بخوری و بپوشانی چون خود بپوشی و وزن بروی او بدنگواری و او را تنها گذاشته ندوی مگر در خانه باشی رواه احمد و بود او و ابن ماجه و فرمود حضرت روزی امشب نان بسیار بخان من آمدند و شکایت شوهران خود میکردند آن مردان خوب گسختند رواه بود و ابن مائه و الدارمی عن ایاس بن عبد الله فصل در حق شفقت بر فرزندان رسول کریم فرمود صلح من حال جار بیتی حتی تبلغا جاء بعضکم القیامة انا و هذا کذا و حکم اصابعه رواه سلم عن ابن هرکه بر پیش کند و دختران که باغ شوند باید روز قیامت من و او بخندید و دو انگشت مبارک با هم ضم کرد و در حسین از عایشه روایت کردنی نزد من آمد و با او بود و دختر بودند از من سوال کردند من چیزی نیافت مگر یک خرابی در دم او را پس آن زن خرم را در میان برد و دختر تقیم کرده داد و خوبی بخورد و رفت پس نبی صلی الله علیه و سلم آمد و قصد عرض کردم فرمود من ابتدی من هذه البنات لیستحی فأحسن الفتی کیف کلمه بنتا من القربی یعنی هر که ابتدا شود از دختران بجزی یعنی چند خزان داشته باشد و با آنها بی کند او را پرده شوند از آنش و هم در حسین از عایشه روایت کرد یک معانی نزد رسول صلح آمد و گفت که شمار طفلان بوسه کشیدند بوسه کشیدم آنحضرت فرمود او را و اصلک لک ان نوح الله ممّن قلبک اخی یعنی اگر خدا نیالی ازل تو رحم و شفقت دور کرده من چه میتوانم کرد فصل در حق نعلبان رسول کریم فرمود سمعته رسول الله صلی الله علیه و سلم یقول من جعل الله لک سختا یذیبک فلیطمع علیها

يَا كُلُّ وَلِيٍّ يَسْئَلُ مَا يَلْبَسُ وَلَا يَكْفَى مِنَ الْعَمَلِ مَا يَغْلِبُهُ فَإِنْ كَفَّهُ مَا يَغْلِبُهُ فَايَعْنَهُ
متفق عليه عن ابی فریحی برادران شما اندک کرده است نه از الله تعالی ترست نه این هر که حق تعالی بر او برادر بود و او برادر بود و او برادر بود
که بخورد و اندازد آنچه خود بخورد و بپوشاند آنچه خود پوشد و تکلیف بندد و با او با کار یک بر روی شاق باشد

و اگر کاری شاق آمد خود هم در کار او کند بر آن کار فرموده اِذَا اصْنَعْتَ لِأَخِي كَمَا خَدِمْتَهُ طَعَامًا
مُتَّحِجًا وَقَدْ وُلِّيَ حُرَّةً وَدَخَانَةٌ فَلْيَقْعِدْ كَمَا مَعَهُ فَلْيَأْكُلْ فَإِنْ كَانَ الطَّعَامُ مَشْتَرَا

قَلِيلًا فَلْيَصْنَعْ فِي بَيْتِهِ مِنْهُ أَكَلَةً أَوْ أَكَلَتَانِ رَوَاهُ اسْمُ عَنِ ابْنِ مَرْيَمَةَ يَعْنِي وَتَمَكُّهُ طَيَّارٌ كُنْدٌ بَرَاءٌ
یکی از شما خادم او طعامی بسوی برادران طعام و بدستیک گرمی آتش دو دو او برداشته است پس باید که بشانند او را
همراه خود تا بخورد و اگر طعام کم باشد و خورنده بسیار باید که زهد در دست او یک لقمه یا دو لقمه فرموده و مسلم من قلد

مَمْلُوكُهُ وَهَذَا يَوْمَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ متفق عليه عن ابْنِ مَرْيَمَةَ يَعْنِي بِرَكَبَتِ زَيْنَا كُنْدٌ مَمْلُوكٌ خُوْرًا
و او با یک باشد از آن او را حق تعالی روز قیامت حد قذف زند و فرموده مَنْ ضَرَبَ غُلَامًا لَهُ حَدُّ الْكَلْبِ

يَأْتِيهِ أَوْ لَطْمَةً فَإِنَّ كَفَّارَتَهُ أَنْ يُعِقِّقَهُ رَوَاهُ اسْمُ عَنِ ابْنِ مَرْيَمَةَ يَعْنِي بِرَكَبَتِ زَيْنَا كُنْدٌ مَمْلُوكٌ خُوْرًا
موجب حد کرده است یا او را طایف آنچه زند پس کفاره او آنست که او را آزاد کند و مسلم از ابی مسعود رضی الله عنه
روایت کرده که من غلام خود را میزوم از پس پشت او آری شنیدم که بدان ای ابا مسعود که حق تعالی زی تو قاف
ترست از آنچه تو برین غلام قدرت داری چون پیشت دیدم رسول خدا بود مسلم گفت یا رسول الله این را
برای خدا آزاد کردم فرمود اگر چنین نیکو دی آتش تو بسیر یا آخر کلام رسول در مرض موت او بود

الصَّلَاةَ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ رَوَاهُ ابْنُ مَرْيَمَةَ فِي شُعْبِ الْإِيمَانِ عَنْ سَلْمَةَ وَاحِدَةَ وَابُو أُوْدٍ وَحَنِ عَلِيٍّ خُوْرًا
یعنی محافظت کنید بر نماز و بر حقوق مملوکان و فرمود آنحضرت مسلم نلت من کن فیه کثیر الله حقیقه و اد

جَسَدُهُ رَفُوقًا بِالضَّعِيفِ وَشَفَقَةً بِالْأَوْلَادِ الْإِيمَانِ وَاحْسَانًا إِلَى الْمَمْلُوكِ رَوَاهُ الرَّزْمِيُّ عَنْ جَابِرِ
یعنی بر مقتدم که در وی باشد حق تعالی موت او آسان کند و او را داخل بهشت سازد و هر بانی بر ضعیفان
و شفقت بر پدر و مادر و کوفتی با مملوکان مردی از آنحضرت پرسید که یا رسول الله خدا بار از خادم عفو تقصیر
کنم آنحضرت دو بار جواب دادم تبسوم فرمود که هر روز گفتا و بار خبشید رَوَاهُ الرَّزْمِيُّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو
ابوداود عن ابن عمر و فرمود آنحضرت مسلم گاه بشنید خبر میدیم شمارا به بدترین شما بدترین شما کسی است که

میخورد آنها و نیز نمک خوراندند هر قدر خود را راه زمین عن ایهریره متغی بر فداعانت و مردگاستی در خیز
 رسم بود که هر کس بقدر طاق خود مال می آورد پس مال بسیار جمع میشد پس از آن طعام و شمش خرید میکردند و مردم
 جمع مردم میخوردند و شربت می نوشانیدند پس قدر عبارتست از مالی که این شهر جمع کرده بپای صاد و در دو
 مسکین نگاه دارند **فصل** ملک اگر جانور باشد بر آنهم احسان ضرورت رسول کریم صلوات الله علیه
 فرمود **لَقَوْلِ اللَّهِ فِي هَذِهِ الْبَهَائِمِ الْعَجِيزَةِ فَإِنَّ كِبْرَهَا صَالِحَةٌ وَأَنْ تَرُكُوا هَذَا صَالِحَةٌ** رواه
 ابو داود عن سهل بن خلف یعنی تبر سید از خدا حق این جانوران بی زبان سوار کنید بر آنها بخو
 و بگذارد آنها را بخوبی **فصل** قسمی که از حقوق العباد حق همسایه و محبت و هم سفرست که منظر قرآن

تعالی مستند است **وَتَجِدُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ عَدُوًّا لَكُمْ وَأَنْتُمْ أَوْلَىٰ بِالذِّمَّةِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ**
وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَابْنِ
الطَّبْعِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ یعنی عبادت کنید خدا را و شریک کنید در عبادت او چیزی را و مملوئی کنید
 با پدر و مادر مملوئی کردنی و با صاحب قرابت رقیبان و مسکینان و همسایه که قریب باشد همسایگی او یعنی خانه
 متصل باشد یا آنکه همسایه باشد و قرابت و نسب یا در بین داشته باشد و همسایه که در پنجمین باشد و یا محبت
 و این مباح مجاهد و عکر گفته که صاحب با محبت هم سفر باشد و علی رضی الله عنه و ابن مسعود گفته اند که مراد از
 زنت و مسافران یعنی گویند که از ابن سبیل همان مرادست و مملوکان خود را رسول فرمود صلوات الله علیه

ثَلَاثَةٌ جَارٌ لَهُ ثَلَاثَةٌ مَحْفُوقٌ حَقُّ الْجَوَارِ وَحَقُّ الْقُرَابَةِ وَحَقُّ الْإِسْلَامِ وَجَارٌ لَهُ
حَقٌّ حَقُّ الْجَوَارِ وَحَقُّ الْإِسْلَامِ وَجَارٌ لَهُ حَقٌّ وَاحِدٌ وَهُوَ الْمَشْرُوقُ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ
 رواه ابو نعیم فی الحلیه و الحسن بن سفیان و البرازی فی مسندهما عن جابر یعنی همسایگان سه قسمند یکی همسایه
 که او را محبت حق جوار و حق قرابت و حق اسلام و یک همسایه را و محبت حق جوار و حق اسلام و یک همسایه
 یک حق صرف که شک باشد از اهل کتاب و ابن عدی از عبد الله بن عمر بن خطاب روایت کرده که رسول فرمود صلوات

كَمْ مِنْ جَارٍ يَتَعَلَّقُ بِجَارِهِ فَيَقُولُ يَا رَبِّ اسْأَلْ هَذَا لَوْ أَعْتَقَ عَنِّي بَابَهُ وَمَنْعَنِي فَضْلَهُ
 رواه ابن صفیانی عن ابن عمر یعنی بسیار همسایه باشد که بگیرد همسایه خود را و بگوید ای پروردگار پس
 ازین چرا بند کرد و روازه خود را ازین فرزند مرا پس خورده خود و بخاری ازین عمر روایت کرده که

تو همسایه و محبت حق جوار و محبت حق اسلام

رسول فرمود صلعم که همیشه جبرئیل را برای همسایه ویت میکند حتی که گمان بر دم که قرابت که حق تعالی او را
 و هفت گرداند و سلم از ابی ذر روایت کرده که رسول فرمود صلعم وقتی که گوشت بزیری شود باز یازده کن
 و همسایگان را ضیافت کن عایشه از رسول صلعم پرسید که یا رسول الله مراد و همسایه اند یکدایمی از آنها بدید
 کنم فرمود هر که نزدیکتر باشد دروازه او فرمود رسول صلعم من کان یؤمن بالله و آلئیم الاخر فلیصحب
 الی جاره و من کان یؤمن بالله و آلئیم الاخر فلیقل خیرا او لیصمت رواه البغوی و فی الصحیحین عن ابی هریره
 نحوه یعنی هر که بخدا و روز قیامت ایمان داشته باشد پس با یکدیگر همسایه خود نکونی کند و همان را گرامی دار
 و آنچه نیک باشد سخن گوید یا خاموش ماند سخن بیفایان نگوید بدان اسعدک الله تعالی که چون همسایه را در خانه
 علمی دید میباش چنین سخن ثابت شده پس بصحبت و همسر با طریق اولی حق واجبست بنانچه بنا بر بصحبت رسول
 اصحاب خود را چه قدر مناقب فرموده و برای محبت و تعظیم شان مبالغه کرده لیکن واجبست که نمیشنی
 و دوستی بانیگان کند و با کافران و فاسقان نکند رسول فرمود علی السویه و علم مثل الجلیس الضالم
 و الشور کما مل للسلک و نافع الکبر فحامل المسک اما ان یغزیک و اما ان یتاک
 منه و اما ان یجهد منه ریحا طیبه و نافع الکبر اما ان یحرق ثیابک و اما
 ان یجهد منه ریحا خبیثه متفق علیه عن ابی موسی و فی روایه یحرق بدینک او ثوبک او یجهد
 منه ریحا خبیثه یعنی حال همسایه نیک و همسایه بد آنچنانست که همسایه نیک مانند صاحب شکست
 یا ترا خواهد داد یا تو از او خرید خواهی کرد و زنه ثوب بوی از خوش خواهد رسید و همسایه بد مانند سوزاننده
 بیه آتش آید بر سرست که خانه تو با پارچه تو خواهد سوخت و گرنه بوی بد از او تو خواهد رسید و همچنین حاکم
 و ابو داود و النسائی از حضرت علیه السلام روایت کرده که همسایه نیک مثل عطر فروشت اگر عطر تو خوب
 و اداری بهتر خواهد رسید و احمد و ابو داود و ترمذی و تالم از ابی سعید خدر روایت کردند که فرمود
 ان شمرت علیه السلام همیشنی کن مگر با مسلمانان کامل الایمان و باید که طعام نخورد ترا مگر متقی و بتوحیدی
 از امیریه روایت کرده که رسول فرمود صلعم علیه و سلم که آدم بر دین و بد بینا و سینه و پینه
 پس برین که با که دوستی دارن همچون کسیه بر از بر - خود از آنجنت مرویست که فرمود انما یفصح

مَنْ أَحَبَّ بَعْضَ بَعْضٍ لَمْ يَكُنْ يَحِبُّ بَعْضَهُمْ كَبَعْضٍ عَدَا وَكَأَنَّ الْمُتَّقِينَ كَيْفِي دُوسَتَانِ وَزَقِيَاتُكُمْ شُومُوا لَمْ تَقِيَانِ وَحَقَّ تَعَالَى تَقِيَةً

که در دم در روز قیامت بر دوستی گردان با بدان حشرت نواهند کرد و نخواهند گفت یا و گفتم که آنرا
فَلَا تَأْخُذْ بَعْدَ ذَلِكَ مِنْكُمْ قَدْ خَلَّ مِنْكُمْ الْكَلْبُ إِنَّ كَلِمَاتِ الْمُنِيبِينَ لَمُحَسَّبَاتٌ

دور نشو از احتلاط یا بر بد یا بر بد تر بود و از ما بر بد ما بر بد تنها همین بر جان زندیدار بد بر جان بر جان
صحبت صالح و اسامی که صحبت طالح ترا طالح کند به نار خندان به باغ را خندان کند صحبت نیکان است از نیکان

در تحسین از این بریده مر و نیست که در حدیث طویل از رسول کریم در حق جماعت ذکر کنندگان که چون حق
بر آنها حمت کند و بخشاید تمام هفتاد تن آنها را بختشاید فرشته از فرشتگان گوید ای پروردگار مر و نیست

سگهار از آنها نیست بر آگاری آن در ز آنها نیست حق تعالی فرماید که او را بر بخشیدم آن تو نیست که
هفتاد تن بخت نباشد و لهذا رسول کریم صلی الله علیه و سلم هفتاد تن بد و هفتاد تن بد بخدا پناه بسته طبرانی

از عقب بن عامر روایت کرده که رسول صلعم در دعای خود میگفت اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ يَوْمٍ
السَّعْوَةِ وَبِمَنْ سَأَلَتْهُ الشَّيْخُ وَمِنْ لَيْلَةِ السَّعْوَةِ وَمِنْ صَاحِبِ السَّعْوَةِ وَمِنْ جَابِلِ السَّعْوَةِ

فی دَارِ الْمُقَامَةِ یعنی الهی پناه میجویم به تو از روز بدی از ساعت بدی از شب بدی یعنی از روز بدی
و شب بدی و ساعت بدی که در آن بدی واقع شود و از هفتاد تن بدی و هفتاد تن بدی و هفتاد تن بدی

همسایه که در خانه قامت همسایه با و برای احترام همسایه رسول کریم در بیخ حق شفعه واجب که در شفعه
باید اگر شرفی نیک مر و طلب شفعه کند و اگر بد از خرید او راضی نشود شفعه قسمی دیگر از حقوق الباقی عازم نیست

کسی است که عاجز و ضعیف و یتیم و مسکین یا بیمار یا بویه و حق سائل است و حق مسافر و مهمان که وار شود
قَالَ اللَّهُ تَعَالَى وَاتَّقِ الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ

وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَفِي الرِّقَابِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمَسْكِينِ وَالْيَتَامَىٰ وَالسَّبِيلِ یعنی سبک
کسی است که از مال بر دوستی خدا و ذوی القربی و یتیمان و مسکینان و مسافران و مسلمانان زود در از زود

بندگان و فرمود حق تعالی فَمَا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ یعنی میجو بر مهر کن و
کننده را زجر کن و فرمود آنحضرت صلی الله علیه و سلم أَنَا وَكَافِلُ الْيَتِيمِ فِي الْجَنَّةِ هَكَذَا - و احمد

ابو بخاری و ابو داؤد و الترمذی عن یهیل بن سعید عنی من و یارب و ارندة تیرم و حبت ایمنین باشند و اشارت
 کرد بر او گفت خود فرمود من کان یخاف من بالله و الیوم الاخر فلیکم من صیفه جازاته یوم
 و لیکه و ضیافته ثلثة ايام فما بعد ذلك فهو صدقة فمنفق علیه من ابی شریح الکتبی تعی بر کاران
 دار و بخدا و روز قیامت پس باید که گرامی کند همان خود را یک نبار و در زمانی او تکلف باید نمود و جهانی
 ناسر و زست و بعد از آن صد دست و رسول فرمود صلی الله علیه و سلم للشیاکل حق وان جاء علی
 الفرس ابو داؤد عن الحسن بن علی رضی الله عنهما و احمد عن الحسن بن علی رضی الله عنهما و احمد عن الحسن بن علی رضی الله عنهما
 بر اسب سوار شده آمده باشد یعنی اگر چه غنی باشد حالاکه سؤل کردن غنی را حرامست و رسول فرمود
 صلی الله علیه و سلم المسلم علی المسلم سنة بالقرن فی سئل علیه اذا اقیه و تحببه اذا
 دعا و لیسینه اذا عطس و یعوقه اذا اقرض و ینبغ جنازته اذا مات و یسب
 له ما کتبت لنفسیه رواه احمد و الترمذی و ابو داؤد عن صلی و النسائی عن ابهریره رنم نحوه یعنی
 مسلمان را بر مسلمان شمشق از سلام گوید بر وی چون ملاقات کند و جواب دهد چون بخواند یا قبول
 دعوت او کند و در حکم است که چون حمد کند بعد عطسه و بیمار پرسی کند چون بیمار شود و همراه جنازه او رود
 چون بمرد و دست دارد برای او آنچه دست دارد برای نفس خود و استغفانی از علی رضی الله عنده
 سر و علیه السلام روایت کرده که فرمود بدرستی که اگر یکی از شما بگذارد و شتمت یعنی بر حکم است گفتن بر او
 خود را و قتیکه عطسه کند و الحمد گوید پس مطالبه خواهد کرد او را روز قیامت و همچنین ابو نعیم از سعید بن
 جبیر روایت کرد و مسلم از ابی موسی روایت کرده که اگر کسی بعد عطسه الحمد گوید او را بر تکم الله بگویند و اگر
 نگوید نگوید و در صحیحین از ابی سعید خدری روایت کرده که آنحضرت علیه السلام فرمود که برهنه کنی از شستن بر ریهها
 یا آن گفتند یا رسول الله شستن بر ریهها چاره نداریم فرمود که پس حق ادا کنید راه را گفتند که حق تراست
 فرمود که چشم بستن از حرام و آذیت رسانیدن و جواب سلام گفتن و امر کردن بشروع و تنی کردن از نامشروع
 و ابو داؤد از عمر بن قصفه باده کرده و فریاد سری کند هیچ رسیده را و راه نمائید گم شده را قال الله
 عز و جل اذا جئتم فی غیر القیول احسن منها و اوردوها ان الله کان علی کل شیء حسیباً
 یعنی و قتیکه کسی سلام گوید بر شما پس جواب گوید مثل آن یا بهتر از آن یعنی در جواب سلام علیکم گویند که

و در بخاری و ابو داؤد و الترمذی و ابو نعیم از سعید بن جبیر روایت کرده که اگر کسی بعد عطسه الحمد گوید او را بر تکم الله بگویند و اگر نگوید نگوید و در صحیحین از ابی سعید خدری روایت کرده که آنحضرت علیه السلام فرمود که برهنه کنی از شستن بر ریهها یا آن گفتند یا رسول الله شستن بر ریهها چاره نداریم فرمود که پس حق ادا کنید راه را گفتند که حق تراست فرمود که چشم بستن از حرام و آذیت رسانیدن و جواب سلام گفتن و امر کردن بشروع و تنی کردن از نامشروع و ابو داؤد از عمر بن قصفه باده کرده و فریاد سری کند هیچ رسیده را و راه نمائید گم شده را قال الله عز و جل اذا جئتم فی غیر القیول احسن منها و اوردوها ان الله کان علی کل شیء حسیباً یعنی و قتیکه کسی سلام گوید بر شما پس جواب گوید مثل آن یا بهتر از آن یعنی در جواب سلام علیکم گویند که

یا خیر کینه با وی در رحمة الله یا در رحمة الله و بر کافر مسلم از ایهیره روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم در آن شب خوابیدید تا که ایمان آرید و ایمان کامل نخواهد شد تا که با هم دوستی کنید پس فرمود که خبر دهم شما بخیر که با هم دوست نشوید از شما السلام علیکم یعنی بسیار کنید سلام با هم و بهیچ از بن مسعود از آنحضرت روایت کرد که کسی که اول سلام گوید پاک شود از تکبر کسی از آنحضرت پرسید که از فضیلت های اسلام کدامی بهتر است و عرض نمود آنی طوعم و خیرانی سلام بر هر که شناسی یا نشناسی آیه کریمه از حدیثیم اگر چه در حق سلام دارد نشده لیکن معنی لفظ دلائل دارد بر آنکه مسلمانی با مسلمانی هر چه سلوک نیک کند مانند گرسندان بدیر یا ذکریه یا اشاره سلام بدست پسته یا تواضع یا استادن یا مصافحه یا معانقه یا مانند آن که دلیل اظهار محبت باشد ثنائی را باید که مکافات آن پیش آن کند یا بهتر از آن کند **اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَسِيبٌ** بران جملات دارد یعنی حق بر هر چیز حساب کننده است احمد و ترمذی از ابی امامه روایت کرده که آنحضرت فرمود تمام تحیه شما صحیح است و آنحضرت فرموده با هم مصافحه کنید در شود و با هم بدیر بفرستید محبت زیاد شود و کینه بر طرف گردد و فرمود آنحضرت که اگر دو مسلمان با هم مصافحه کنند هیچ گناه باقی نماند همه بریزد آنحضرت ابو ذر را در پیش گرفته فرمود که این عمل

خوبست رواه ابو داود و فرمود آنحضرت صلی الله علیه و سلم **لَا يَجِلُّ لِلرَّجُلِ أَنْ يَتَحَيَّيَ أَخَاهُ فَوْقَ**

تَلَافَتٍ يَلْتَقِيَانِ فَيَعْرِضُ مِنْ هَذَا وَيَعْرِضُ مِنْ هَذَا وَخَيْرُهُمَا الَّذِي يَبْدَأُ بِالسَّلَامِ مستوی است
 عن ابی ایوب الانصاری یعنی حلال نیست مردی را که ترک ملاقات کند بر او خود را زباده از سره روزی
 شوند هر دو پس عرض کنند از یکدیگر بهتر از آنها کسی است که سبقت کند در سلام و ابو داود از عایشه از آنحضرت
 صلی الله علیه و سلم روایت کرده که فرمود که مسلمان را چنان نیست که زیاد از سره روز ترک کند هر دو را پس
 و خیر یکی با دیگری ملاقات کرد و سلام گفت سه بار و او جواب نداد گناه هر دو را بر خود گرفت و احمد ابو داود
 از ایهیره روایت کرده که آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرمود که حلال نیست مسلمان را که برادر خود مسلمان را
 زیاد از سره روز ترک کند اگر زیاد از سره روز ترک کند و لمیرد داخل و درخ شود و ابو داود از ابو هریره روایت
 کرده است دیگر بعد ضمن مذکور نقل کرده چون سه روز بگذرد باید که یکی با دیگری ملاقات کند و سلام گوید
 بروی اگر او جواب داد هر دو داخل ثواب شوند و اگر جواب نداد گناه بر دویم باقی ماند و او از گناه مبراست

کرد و بیرون نماند و فرمود رسول الله صلی الله علیه و سلم **إِيَّاكُمْ وَالظَّنَّ فَإِنَّ الظَّنَّ كَالْكَلْبِ إِذَا سَبَّ**

افضل باشد در روز جزا روزه و صدقه و نماز اصحاب گفتند آری جزوه یا رسول الله فرمود صلح کنانیدن
در میان مردم افضل است از روزه و صدقه و نماز و فساد کردن در مردم حالته هست و فرمود آنحضرت

دَبَّ الْيَكْرُ دَأْعُ الْأَهْمِ قَبْلَكُمْ الْحَسَدُ وَالْبَغْضَاءُ هِيَ الْخَالِقَةُ لَا أَقُولُ إِلَّا حَقًّا الشُّعْرَاءُ

لَكِنِّي لِحَلْقِ الدَّيْنِ رواه احمد و الترمذی عن زبیر بن عفران یا بسوی شما عرضی که در انتهای پیشین بود با هم
صد کردن و بخشش نمون این صفت حالته هست یعنی ترا شدند و میگویم که موسی را بیشتر شد بگوید
را بیشتر شد و فرمود آنحضرت صلی الله علیه و سلم بر بنی کینیا حسد بدستیکه حسد مخور و نکو بها الحجاب
میخورد آتش نیزم را رواه ابو داود و عن ابی هریره و فرمود آنحضرت علیه السلام انما کم و سواد
الْبَيْنِ فَإِنَّهَا الْخَالِقَةُ رواه الترمذی عن ابی هریره یعنی بر بنی کینیا از بد در میان مردم که این صفت

ترا شده است دین را و فرمود آنحضرت من صَدَّائِضًا وَاللَّهُ مَنَّ شَقَّ شَقَّ اللَّهُ عَلَيْهِ

رواه ابن ماجه و الترمذی عن ابی صبرته یعنی که ضرر رساند دیگر بر او و بر او بر ضرر رساند بر شقیقت بود دیگر بر
و بیشتر شد و بدتر شد از ابی بکر صدیق روایت کرده که فرمود آنحضرت صلی الله علیه و سلم که ما غنوت کسی
مومنان را ضرر رساند می کند به آنها و آتو او در سعید بن زید از سرور عالم صلی الله علیه و سلم روا
کرده که محمود بن نمین بر بازبان و رازی که دهنش در آبروی مسلمانی بغیر حق و رسول فرمود

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنْ أَحْسَدِ رَأَى أَحْيَاكُمْ فَلَمْ يَغْدِرْهُ وَكَمَ يَقْبَلُ عَذْرَةَ كَانَ عَلَيْهِ مِثْلُ

خَطِيئَةِ صَاحِبِ مَكِّيَسٍ رواه ابی بصیر عن جابر یعنی هر که عذر خواهد بسو برادر خویش او عذر
نکند باشد بروی گناه مانند گناه صاحب راهداری بدان استعدک الله تعالی حق اخوة اسلامی بالاتر
از همه حقوق چرا که در حق قرابت نسبی پروردار و واسطه اند و در اخوة اسلامی خدا و رسول خدا

و واسطه اند رسول کریم پر همه مومنانست حق تعالی میفرماید التَّائِبُ أَوْ إِلَى بِالْمَعْرِ مَبِينٍ مِنَ الْعُصْيَانِ

وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ و در قرآته ابی بن کعب خوانده شد و هوأ آب كعب یعنی نبی صلی الله

و سلم اولی سنت بهر طرف در مومنان از نفس آنها و از و اوج او مادران مومنان هستند و او پدر آنهاست
و ایند حق تعالی فرموده إِنَّهَا الْمُتَّقُونَ أَخْوَةٌ قَاصِلِحُوا بَيْنَ أَخَوِيكُمْ كَمَا كُنْتُمْ يَوْمَ
بأهم مگر برادران پس صلح کنید در برادران خود بنا بر اخوة اسلامی ملائکه بر مومنان استغفار

له
در گذشته
دین است

معجزه
علیه السلام
در راه شمشیر
تاجان و مسلمان
بجزای از نشان
بگوید

ابن حساگر از ابن عمر روایت کرده یعنی هر قرابت نسبی و قرابت خونی تا با او باشد روز قیامت منقطع خواهد شد مگر قرابت
نسبی و صهری من هر دو چیز نیست که قرابت همه مومنان و غیر هم منقطع خواهد شد مگر قرابت پاک من بلکه مرد است
که همه مسلمانان فرزندان من اند نسبت صهر مومنان منقطع نخواهد شد نسبت و مهر که قرابت منقطع خواهد شد

برین تفهیم نیست که حق تعالی در حق مومنان میفرماید **وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُم بِإِيمَانٍ**
أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَمَا أَلَتْنَاهُمْ مِنْ شَيْءٍ یعنی کسی که ایمان آورده اند و فرزندان
شان تابع ایشانند در ایمان اولادشان را در بهشت بر تبه پدران ملحق خواهیم کرد و از عمل پدران کم

نخواهیم که هیچ و نیز حق تعالی میفرماید **وَمَا أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ بِالْأَتَقَىٰ تُقَرَّبُ بِكُمْ عَسَىٰ أَنْ**
تُؤْتُوا الْأَمْوَالَ الْأَمْوَالَ عَمَلًا صَالِحًا یعنی ممالک و اولاد آنها را همانند یک نخواهند کرد مگر
بسیکه ایمان آورده است و عمل صالح کرده اموال و اولاد آنها را همانند یک خواهند کرد و در حق کلان

فرموده **وَالْأَسْبَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ** یعنی سببهای شان در میان شان نخواهند ماند روز قیامت
فرمود **تَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ** منقطع خواهد شد در میان شان اسباب و صلوات ازین آیات دیگر
و احادیث نبوی صلی الله علیه و سلم معلوم میشود که نسب در مومنان باقی خواهد ماند و یکی دیگری را سفید

خواهد شد سبب قرابت و نسب استی غیره و کافر را هیچ فائده نخواهد کرد **لَيْسَ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ**
وَأُمَّهِ وَآبَتِهِ وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ إِلَّا خِلَافَ يَوْمٍ مِمَّنْ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ و الا المتقارن
یعنی روز قیامت بگیرند و مرد از برادر خود و مادر و پدر و زن و فرزندان خود و دوستان آن روز با هم

و دشمن خواهند شد مگر تقیان غرض ازین کلام آنست که در جمیع حقوق مذکوره هر سبب که در اسلام و تقوی
افضل از قوی باشد او بر آن محبت و صلوات اولی و اخص باشد و اسلام قسم منقطع دیگر از حقوق آنست که
بنده با اختیار خود بر خود لازم گرداند و این هم در حقوق اعداست و هم در حقوق الناس و هر یک از آن بر

قسمت قسمتی نیست که سبب و موجب آن طاعت باشد و هم آنکه سبب و موجب آن معصیت باشد سوم آنکه
سبب و موجب آن امری مباح باشد **فصل** حق الله که سبب و موجب آن طاعت است آن نذر است بعباده
اگر نذر کند بعباده مقصود که از جنس آن عبادتی فرض باشد چون نماز یا روزه یا صدقه یا حج خواه آن نذر
بلا شرط باشد یا بشرط که موجب شکر باشد از نعمتهای دینی یا دنیوی چنانچه گوید که اگر بخاری من شفا یا بد

توسعه
الاستیوار

فصل اول

بشخص نرج نسلم مبيع بشفيع وايضا لمن وفرض ومهر و اجرت و رزق عارث و دبيت و مانند آن از
فراض است و آن حقوق الله تعالى که احتمال مغفرت دارد اولی بالا دست و در تلف این حقوق عدم
ادای ویون احتمال عدم مغفرت است رسول فرمود صلی الله علیه و سلم لعن من بعت بغيره من کل ذنب

تا کسی که او را بکشد

اذا الذنب بغيره من کل ذنب یعنی بکشید هر کس که بکشد برای کسی که بکشد هر کس که بکشد
عن ابهریره یعنی رنگ کردن و یاد اسی این بعد میسر شدن ظلم است بنمازه پیش از غیر صلی الله علیه و سلم آمده برای آن حضرت
پرسید آیا بروی من کسی بگفتند آن حضرت فرمودی از خواننده که هزاره آمد پرسید که بروی من کسی هست یعنی حق بندگان گفتند
گفت مالی گذاشته است گفتند آری سه وینار آن حضرت بر و نماز خواند سوم جنازه آمد پرسید که برو
وین کسی هست گفتند آری سه وینار پرسید که چیزی مال گذاشته است گفتند فی فرمود شما نماز برو
نجانید ابوتما و گفت با رسول الله درین او بر خود گرفت نماز برو سخنان اگاه نماز خواند تجاری
آن مسلم بن الحنفی روایت کرده و بقوله شرح است از ابی سعید در روایت کرده که جنازه آمد رسول
صلی الله علیه و سلم پرسید که بروی من گفتند آری آن حضرت پرسید که مقدار دین مال گذاشته است گفتند فی
حضرت فرمود که شما خریداری رحمة الله علیه گفت که دین او بر خود گرفت نماز خواند و گفت علی را
که حق تمام تراز بندر با کنان چنانچه تو یا خود را از بندر با کردی مسلم از ابی قتاده روایت کرده که مردی
گفت یا رسول الله در حالیکه رو بر قتل داده باشم پشت نداده باشم حق تعالی گنا مان من بخشد
فرمود آری کردین انجین جبرئیل من گفته و برای ادای هر حق تعالی میفرماید و اتوا النساء صدقات
یعنی بپسید زنان را هر های شان بخوشی دل یا از مال حلال بی شبهه یا بنا بر ویانت و فرمود
اعطوا الابرار اجره قبل ان یحیف عرقه رواه ابن ماجه عن ابن عمر و ابویعلی عن ابهریره
و الطبرانی عن جابر و الحکم و الزندی عن انس یعنی بپسید فرود در را فرودری او پیش از آنکه خشک
شود حق او و رسول فرمود مسلم اذا دعا رجل امراته الی فراشه قابت فباتت غضبا
لغها الملائكة حتی لا یصبح متفق علیه عن ابهریره و قبکه شوهر زن خود را بر قش خود طلب کند
و او نکار کند شوهر بفضله بنحو ابد فرشتگان تا صبح بر آن زن منست کنند قال الله تعالی ان الله یامرکم
ان تؤدوا الامانات الی اهلها یعنی الله تعالی حکم میکند شما را که امانت را با مکان شان ادا کنید

بر مسلم حرام است بزومی هم حرام است که بعد از اهل ذمه عهد رسول است صلی الله علیه و سلم عهد شکنی رسول

صلی الله علیه و سلم می آید رسول فرمود صلی الله علیه و سلم مَنْ قَدَّ فِتْرًا مِثْلَهُ حُدِّیْتُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ نَيْسًا طَمْرِينًا

تا در راه الطبرانی عن أمّة بن الاسقع یعنی هر که همت ناکند بزومی او را روز قیامت حدزده خوانند

بدنه از آتش و فرمود لَمْ يَنْظَمْ مَعَاهِدًا وَ انْفَضَّ مِنْ حَقِّهِ اَوْ كَلَفَهُ فَعَا قًا طَاقِيَةً

اَوْ اَحَدًا مِنْهُ شَيْئًا يَغْيِرُ طَيْبِ نَفْسِهِ فَا نَا حَجَّجْتَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ یعنی آگاه باشید هر که ظلم کند

زی را یا کم کند از حق او یا تکلیف دهد او را زبانه از طاعت او یا گرفت از چیزی بی رضایت او پس من خصومت

کننده باشم با وی روز قیامت **فاندره** باید دانست که هر گناهی که باشد سوا شرک و خدای آن مناسبتی

اگر چه کثیر و شدید باشد پس مقتضای این احادیث آنست که حقوق عباد خصوصاً مظلوم هرگز مهین نگذارند شود

و قصاص آن ضروریست مظلومان را ثواب حسنات ظالمان داده شود تا و فیکر بیخ از حسنات شان

نماند پس اگر مظلوم با قیامت گنا مان مظلومان بر ظالمان نباده آنها را نخل و وزخ کرده شود پس برگاه که جزا

سیات منتهی شود اگر چه بعد کثرت طول و مومنان ظالمان از مظلوم پاک شوند از زبان داخل بهشت کرده شود **بعضی**

ایمان که جزای ایمان خلوصست و پشتمت اینچنین امام بهی گفته لیکن از شامت مظلوم گنا باشد که ایمان سلب شود

فقود یا **بعضی** خدا حق تعالی از صدور و مظلوم در پناه خود دارد **ششم** میباش در پی آزار و بر هر چه خواهی کن که در

شرعیست ما غیر ازین گناهی نیست یعنی در شریعت محمدی مانند مظلوم هیچ گناه نیست **فاندره** اگر بر ذمه شخصی

مظلوم بود و از آن تو بکنند و از ظلم مبتلا بکنند و در مظلوم و استرضای مظلومان از مقدر او خارج باشد

در نصیحت امید است که حق تعالی خصمان او را روز قیامت راضی سازد و رسول فرمود صلی الله علیه و سلم

لَجُجَلَانٍ مِنْ اُمَّتِي جَنَابَيْنِ يَكْفِي كَرْبَ الْعُرَّةِ تَبَارَكَ تَعَالَى فَقَالَ اَحَدُهُمَا يَا رَبِّ خُدِّي

مَظْلُومِي مَنْ اَخِي فَقَالَ اللهُ اَعْطِ اَحَاكَ مَظْلُومًا فَقَالَ يَا رَبِّ لِمَ يَبِيحُ مِنْ حَسَنَاتِي شَيْءٌ فَقَالَ

اللهُ كَيْفَ تَصْنَعُ لِمَنْ يَبِيحُ مِنْ حَسَنَاتِي شَيْءٌ فَقَالَ يَا رَبِّ يَحْتَلُ مِنْ اَوْ زَارِحِي وَ قَا

عَيْدًا رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِالْبُكَاءِ وَقَالَ إِنَّكَ يَوْمَ عَظِيمٍ يَوْمَ

يَحْتَاجُ النَّاسُ اِلَى اَنْ يَحْتَلُ عَنْهُمْ اَوْ زَارِحُهُمْ فَقَالَ اللهُ اِرْقِعْ رَاسَكَ فَانظُرْ فِي الْحِجَابِ

فَرَقَعَ رَاسَهُ فَقَالَ يَا رَبِّ اَرَى مَكَائِنَ مِنْ فِضَّةٍ مَرْتَفِعَةً وَمِنْ ذَهَبٍ مَحْكَلَةٌ بِالْوَدَّ

لَا يَنْبَغِي أَوْلَايَ صِدَائِقِي أَوْلَايَ شَعْبِي هَذَا فَقَالَ هَذَا لِمَنْ أَعْطَى الْكَمْنَ قَالَ
رَبِّ وَمَنْ يَمْلِكُ ذَلِكَ قَالَ أَنْتَ تَمْلِكُهُ قَالَ لَوْ قَالَ لِعَفْوِكَ مِنْ أَخِيكَ قَالَ

رَبِّ إِيَّيْ قَدْ عَفَوْتُ عَنْهُ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى حُذِرْ بَيْدِ أَخِيكَ فَأَدْخِلْهُ الْجَنَّةَ لَمْ
يَخْلُ رَسُوْلُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنْتَقُوا اللَّهَ وَأَصْلِحُوا إِذَا تَابَ يَكْفُرُ فَإِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ

بَيْنَ الْمُنْكَرَيْنِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ رَوَاهُ أَحْمَدُ وَابْنُ مَعِينٍ وَسَعِيدُ بْنُ مَنْصُورٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ دَاوُدَ
مَنْ دَرَسَ نَشِيْدَ نَبِيِّ رَبِّ الْعَرَبِ سَبَّسَ كَيْ يَكُوْبِدَايَ بِرُوْرِهِ كَارِ مَظْلُومٍ مِنْ اَزْبَادِهِنْ بِكَيْفِ حَقِّ تَعَالَى اَوْ اَزْبَادِهِ

مُشْبِرٍ مَظْلُومٍ اَبْنِ بَرَادِئِ اَوْ كُوْبِدَايَ بِرُوْرِهِ كَارِ سَبَّحَ اَزْ حَسَنَاتِ بَاقِي ثَمَانِدَه سَبَّحَ حَقِّ تَعَالَى مَظْلُومٍ اَوْ اَزْبَادِهِ
بِرُوْمِيكِي اَزْ حَسَنَاتِ اَوْ سَبَّحَ بَاقِي ثَمَانِدَه سَبَّحَ اَوْ كُوْبِدَايَ بِرُوْرِهِ كَارِ كُنَّا بَانَ مِنْ اَزْمَنِ بَرَادِئِ اَوْ اَزْمَنِ سَبَّحَ

مِيْلَاكُ اَنْخَفَرْتُ صَلَّى اَسَدٌ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَحْتٌ وَفَرَسُوْدُكَ اَنْزُورِ نَحْتٌ رُوْرُهُ بِاَشَدِّ مَرُوْمٍ مَحْتَجٌ شُوْنِدَه بِاَكْمَدِ
اَلْسِي كُنَّا بَانَ مِنْ بَرَادِئِ حَقِّ تَعَالَى مَظْلُومٍ اَوْ اَزْبَادِهِ كَسَرُ بَرَادِئِ اَوْ اَزْمَنِ اَبْنِ شَبْرَةَ

مِي نَبِيْمِ اَزْ نَقْرَه عَالِي مَرْتَبَه وَاَزْ رُوْمِ صَبْرٍ وَاَزْ رُوْمِ سَبَّحَ اَكْمَدِ تَبِي اَكْمَدِ صَدِيْقٍ يَا اَكْمَدِ شَهِيْدٍ شُوْبَه اَوْ اَبُو اَبْنِ
شَبْرَةَ اَوْ حَقِّ تَعَالَى فَرَايِدَه اَبْنِ اَبْنِ اَكْمَدِ سَبَّحَ اَكْمَدِ تَبِي اَكْمَدِ سَبَّحَ اَكْمَدِ تَبِي اَكْمَدِ سَبَّحَ اَكْمَدِ تَبِي اَكْمَدِ

فَرَايِدَه اَبْنِ اَبْنِ اَكْمَدِ سَبَّحَ اَكْمَدِ تَبِي اَكْمَدِ سَبَّحَ اَكْمَدِ تَبِي اَكْمَدِ سَبَّحَ اَكْمَدِ تَبِي اَكْمَدِ سَبَّحَ اَكْمَدِ تَبِي اَكْمَدِ
حَقِّ تَعَالَى فَرَايِدَه اَبْنِ اَبْنِ اَكْمَدِ سَبَّحَ اَكْمَدِ تَبِي اَكْمَدِ سَبَّحَ اَكْمَدِ تَبِي اَكْمَدِ سَبَّحَ اَكْمَدِ تَبِي اَكْمَدِ

اَزْ عَذَابِ خَدَاوَنِيكُو كَارِي بَانُوْدُ اَبْنِ اَكْمَدِ حَقِّ تَعَالَى رُوْرِهِ قِيَامَتِ اَوْ رُوْرِهِ قِيَامَتِ اَوْ رُوْرِهِ قِيَامَتِ اَوْ رُوْرِهِ قِيَامَتِ
وَرَسُوْلٍ فَرَسُوْدُ صَلَمٍ رُوْرِهِ قِيَامَتِ اَوْ رُوْرِهِ قِيَامَتِ اَوْ رُوْرِهِ قِيَامَتِ اَوْ رُوْرِهِ قِيَامَتِ اَوْ رُوْرِهِ قِيَامَتِ

يَكْمَدِ وَاَزْمَنِ هِنْدَه اَوْ اَزْمَنِ اَبْنِ اَبْنِ اَكْمَدِ سَبَّحَ اَكْمَدِ تَبِي اَكْمَدِ سَبَّحَ اَكْمَدِ تَبِي اَكْمَدِ سَبَّحَ اَكْمَدِ تَبِي اَكْمَدِ
اَبْنِ اَبْنِ اَكْمَدِ سَبَّحَ اَكْمَدِ تَبِي اَكْمَدِ سَبَّحَ اَكْمَدِ تَبِي اَكْمَدِ سَبَّحَ اَكْمَدِ تَبِي اَكْمَدِ سَبَّحَ اَكْمَدِ تَبِي اَكْمَدِ

بَاشَدَه حَقِّ تَعَالَى اَبْنِ اَبْنِ اَكْمَدِ سَبَّحَ اَكْمَدِ تَبِي اَكْمَدِ سَبَّحَ اَكْمَدِ تَبِي اَكْمَدِ سَبَّحَ اَكْمَدِ تَبِي اَكْمَدِ
وَكَلِمَةُ حَامِيَّةٌ اَكْمَدِ اَبْنِ اَبْنِ اَكْمَدِ سَبَّحَ اَكْمَدِ تَبِي اَكْمَدِ سَبَّحَ اَكْمَدِ تَبِي اَكْمَدِ سَبَّحَ اَكْمَدِ تَبِي اَكْمَدِ

مَظْلُومٍ اَوْ اَبْنِ اَبْنِ اَكْمَدِ سَبَّحَ اَكْمَدِ تَبِي اَكْمَدِ سَبَّحَ اَكْمَدِ تَبِي اَكْمَدِ سَبَّحَ اَكْمَدِ تَبِي اَكْمَدِ
اَتَقَامُ نَفْسٍ وَاَبْنِ اَبْنِ اَكْمَدِ سَبَّحَ اَكْمَدِ تَبِي اَكْمَدِ سَبَّحَ اَكْمَدِ تَبِي اَكْمَدِ سَبَّحَ اَكْمَدِ تَبِي اَكْمَدِ

گفت یا رسول الله هر چند غلامند که مراد روح کو میگویند و خیانت میکنند و ناقربانی میکنند و من آنها را نیز فرمود و هشتم پیامبر
پس گویند باشد از آنها آنحضرت فرمود که خیانت و کذب عصیان آنها با عقاب تو حساب کرده خواهی شد پس اگر عقاب
تو از گناه آنها کم خواهد بود ترا فضیلت خواهد بود و اگر عقاب تو بقدر گناه آنها خواهد بود برابر خواهند شد و اگر عقاب
از گناه شان زیاد خواهد بود بقدر زیادتی از تو عوض گرفته خواهد شد آن مرد گریستن دید او از ناله کردن گرفت

رسول فرمود کسی سعد علیه السلام آیا قرآن خوانده و قطع المکر از بین القسط لیتوم العقبانة فلا تظلم
نفس شیئا وان کانت کما قال حنیفة من خردل اکتینا میها و کفی بنا حاسیة منی خواهی هم نهاد
را و بلای عدل در قیامت پس ظلم کرده خواهد شد چکس چیزی و اگر خواهد بود ظلم بوزن دانه خورد
خواهی آورد پس ایم حساب گفته آن مرد گفت یا رسول الله چه چیزی می بایم از خدا کردن آنها بدستیکند
ترانشا بدستیکند که آنها را آزاد کردم رواه احمد و ترمذی عن عایشة بنت محمد بنی رابدی سهل باشد جزا
اگر مردی حسن الی من اسما تدریس در حسن خلق و نرمی و ندرت تکبر حق تعالی در حق رسول کریم

فرموده و انک لعلی خلق عظیم برستی که تو بر خلق عظیم هستی و فرموده فیما صحیحة من الله لیت
لهو و لو کنت قظا خلط القلب لا نفضوا من حولک فاصمت عنهم و استغفر لهم و شاور
یعنی بسبب رحمت خدا که بخت نرم شدی تو بر آمدی بر مردمی کریم و رحیم شد و اگر می بودی بر خلق سخت دل آینه
جدامی شدند اگر در تو چنین نفسیات نشان را و دعا مغفرت کن برای آنها اگر تقصیری کند و در هر کار

با آنها مشورت کن در حق تمام در حق خاصان خود میگوید و عباد المؤمنین یسئلون علی الارض هوانا و اذنا
خطابهم الجاهلون قالوا سلاما یعنی پندگان خاص آنانند که راه میروند بر زمین بستی و اگر جاهلان با آنها
خطاب مکن میکنند آنها در جواب آن کلامی گویند که موجب سلامت باشد از آنها و گناه رسولی فرمود صلعم بر
از رفیق و نرمی محروم شد از هر چه محروم شد رواه مسلم عن جریر و فرمود محبوب تر است نماز و من کسانند
که اخلاق نیک از راه البخاری عن عبدالبن عمر و در حسین است بهترین شمانیک خلق تر شاست
رسول فرمود صلعم ای المؤمنین لیدرک یحسین خلقه در حجة قالوا لیل و عاکر النهار رواه
ابو داود یعنی بدرستی که مومن در میاید به نیک خونی خود مرتبه کسی را که نام نخبه بخورد و روزی از روز
دارد و فرمود آنحضرت صلعم لعنت لکم اهلکون احسن الاخلاق رواه مالک فی الموطا و رواه احمد عن

جائز نیست و در تمامی تفصیلی دارد و در سبک مردم خواهر این صورت است که قاعده کلیه ضمیمه است که
 فی شرح الوقایه و غیره حاصل شد تا آنکه لا یجوز الا بحارۃ علی المکاتات و علی المعاصی
 لکن لما وقع الفتوی فی زمانه تناقی الاموال بالذات و بیعتة یفعل ایضا لیتعلم القرآن
 الفصحیح و لا یجوز الا علی کل سن و مکنته و لکنه اجلازه برادای طاعت خواه فرض باشد خواه نظر جائز
 نیست است که شخصی که میباید طاعت کند و است حکم و عدو الهی مستحق او یا خودی کشنده پس اگر چه در بعضی
 را از مخلوق بران عمل طلب نماید و جمیع عجزترین و دایرترین در حق یکس یک فعل لازم خواهد آمد مثل
 آنکه شخصی پیش از یک کس قرار یافت او را بفرستد که بر خاص شخصی دیگر شود در همان مدت گذاهدا کمانی
 شرح الهدیه و توفیق علیه السلام و اقرؤوا القرآن و لا تا کلوا و ایه و مثل ان یتساکر رجل لا یفعل
 علی دلایس قافر قبیل و مثل هذه القران و لا یتسکرت به الثواب کالکسیت و لا القاری
 استثنای صورت سوم آنکه شخصی بسته شد ثواب قرآن خوانده و یکس شخص بیا قصد ثواب او خواندن آن
 کند و هرگز خیال معاوضه در خاطر آنطور نکند و آنکس بایزق مکافات بعد از آن یا در اتنای خواندن
 آن بوی چیزی بدهد یا احسانی نماید یا شخصی باشد که از سالها شخصی انعام و احسان میکند و این
 کس مکافات آن قرآن و کلمه تلیل و مثال آنک بوی او میبازد و ثوابش با بوی خودش در صورت
 جائزست بلا شبهه بلکه مستحب بر مکافات احسان با احسان مستحب و فی الحدیث من صنعکم الیکم
 معرفه قافکا قافکا فی حق الخ و لیکن در اینجا هم عذری بی باید و آن نیست که اگر نیست آن در خواندن مکافات
 احسان است پس جائز مستحب است اما اجاره نشد آید و دشمن مکافات مضر نیست لیکن فرقی را تا میان
 و صورت چهارم آنکه شخصی است طالب علم و بوی حفظ قرآن اشتغال بطاعت دیگر لیکن از راه سنگستی
 و فقدان وجه معاش و راحت اشتغال باین امور رفتار دردی دیگر صاحب کار و بوی او شود تا بقیه
 مشغول بطاعت گردد و در تصویرت هر دو را بر کامل بر سر طاعت او حاصل بگردد و در صورت این
 آیت همین است للفقراء الذین انصروا الخ و اعانت بر طاعت که در حدیث صحیح آمده
 واقع شده همین است لیکن این را بحت گفتن مجازست صورت پنجم آنکه شخصی قرآن را بر سر طاعت
 بلکه باری قصد نافع میخواند و برین آیت دیگر و مثل ستمه شخصی و توفیق و تم بعضی در قرآن برای حصول

بعضی مطالب - نیوی یا برآی خلاص از عذاب کور یا برای دفع آسیب زنده یا مرده بصورت خوش و این
 قسم بهتر جائز است بلاکرامت و همین است مورد این حدیث که **إِنَّ أَحْسَنَ مَا أَخْلَقَ اللَّهُ عَلَيْهِ أَجْرًا كَمَا**
اللَّهُ وَقَعَهُ فِيهِ سُوْرَةُ فَاتِحَةٍ كَرَفَنَ اجْرَتِ بَرَانَ نِيزَا زِهِيْنَ قَبِيْلَ سِتْ هِمَّ صُوْرٍ رَاجِدًا جِدَا بِاِحْكَامٍ
 آنها در خاطر محفوظ باید داشت **وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَعَلَىٰ مَنْ لَدَائِكُمْ بِهِمْ تَقْصِيْبِ عِلْمِهِمْ**
 که در احادیث مختلفه تعارض نیست مثلاً در حدیث عباده بن الصامتة قال **قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ**
رَجُلٌ أَهْدَىٰ إِلَيْكَ قَوْمًا مِمَّنْ كُنْتَ أَجَلَهُ الْكُتُبُ وَالْقُرْآنُ وَلَيْسَتْ بِهِنَّ قَائِمِي
عَلَيْكَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ قَالَ إِنْ كُنْتَ تُحِبُّ أَنْ تَكُونَ قِي طَوْ قَائِمًا نَارًا فَاقْبَلْهَا رَوَاهُ ابُو دَاوُدَ
 و این ماجزه در صورتی راست است در وقت تعلیم مکافات مستور داشته بود و همین نیت تعلیم
 کرده بود و علی بن ابی طالب اس احادیث دیگر **وَاللَّهُ أَحْكَمُ وَعَمَلُهُ أَتَمُّ وَأَكْمَلُ وَأَحْكَمُ**

الحمد لله خالق الانام که رساله تحقیده الاسلام مع استفقای اخذ اجرت بر خواندن قرآن
 بتاریخ سنه ۱۳۰۳ و بمذبح ۶۶ هجری در بیت السلطنه لکنه بمحمد محمود نگر محمد مصطفی خان خلعت
 حاجی محمد روشن خان نمبر لها المنان طبع نمود



۸۶۹۱

الف

